



<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 3115-7475

Vol. 1, Issue.1, No.1, 2023, pp 239-256

Received: 05/08/2022 Accepted: 05/02/2023

Research Paper
Investigating the Performance of Charities in the Affairs of Beggars
(Case Study: Qajar and Pahlavi periods)

Zahra Alizadeh Birjandi * 

Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran
zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

Introduction

During the Qajar and Pahlavi periods, some institutions and those involved in charity affairs dealt with the problem of begging and dealing with the affairs of beggars. This approach is worthy of consideration because it indicates the emergence of new attitudes in the field of good affairs and solving social problems. The complexity of the dimensions of begging, the existence of professional beggars, and the variety of begging types provide challenges for benefactors in managing the affairs of beggars. Charities gradually adopted a special management style to deal with such challenges by adopting special measures and fixing in their statutes. This research is a reflection on the functioning of charities in the affairs of beggars and the evaluation of the challenges faced by them in the Qajar and Pahlavi periods.

Method

This research, compiled with the descriptive-analytical method and using archival documents, seeks to answer the reasons for the benefactors' approach to the affairs of beggars, and how they function in the management of beggars. In this article, the management style of two examples of charities whose measures have been effective in solving some of the challenges of organizing the affairs of beggars has been proposed.

Findings

Some charities active in the affairs of beggars made changes in their goals and performance by replacing quality activities based on intelligent support instead of physical giving.

Result

The management style of the charities studied in this research is based on the classification of beggars and their organization based on the indicators of each skill training efficiency.

The way of managing the charities that have been introduced as a model in this research is based on several principles as follows:

- Research and review the quality of entitlement of the covered people,
- Separation of beggars: separating children, separating women and men, separating beggars who are able to work from beggars who are disabled.
- Teaching the necessary skills to beggars and creating business for them.

Keywords

Charities, Beggars, Qajar, Pahlavi.

*Corresponding Author

Alizadeh Birjandi, Z. (2023). Investigating the performance of charities in the affairs of beggars (case study: Qajar and Pahlavi periods). *Journal of Endowment & Charity Studies*, 1(1), 239-256. <http://dx.doi.org/10.22108/ecs.2023.134654.1009>



3115-7475 © The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<http://dx.doi.org/10.22108/ecs.2023.134654.1009>



مقاله پژوهشی

بررسی نحوه عملکرد خیریه‌ها در امور متکدیان (مطالعه موردی: دوره قاجار و پهلوی)

زهر اعلی‌زاده بیرجندی^{۱*} 

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

چکیده

در دوره قاجار و پهلوی برخی از موسسات و دست اندرکاران امور خیریه به مقابله با معضل تکدی گری و رسیدگی به امور متکدیان پرداختند. این رویکرد از آن جهت در خور تامل است که از ظهور نگرش‌های نوینی در عرصه امور خیر و رفع آسیب‌های اجتماعی حکایت دارد. پیچیدگی ابعاد تکدی گری، وجود متکدیان حرفه‌ای و کلاش و تنوع گونه‌های تکدی گری چالش‌هایی را برای خیرین در مدیریت امور متکدیان فراهم می‌ساخت. خیریه‌ها بتدریج با اتخاذ تدابیری خاص و گنجاندن آن در اساسنامه‌های خود سبک مدیریتی ویژه‌ای را برای مقابله با اینگونه چالش‌ها در پیش گرفتند. پژوهش پیش رو تأملی در نحوه عملکرد خیریه‌ها در امور متکدیان و ارزیابی چالش‌های پیش روی آنها در دوره قاجار و پهلوی است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی وبا بهره‌گیری از اسناد آرشیوی تدوین شده در پی پاسخگویی به دلایل رویکرد خیرین به امور متکدیان، و چگونگی عملکرد آنها در ساماندهی متکدیان است. در این مقاله، سبک مدیریتی دو نمونه از خیریه‌هایی که تدابیر آنان در رفع برخی چالش‌های ساماندهی امور متکدیان کارساز بوده، مطرح شده است. یافته‌ها: برخی از خیریه‌های فعال در امور متکدیان برای مقابله با چالش‌ها، تغییراتی در اهداف و عملکرد خویش از طریق جایگزینی فعالیت‌های کیفیت بخش و مبتنی بر حمایت‌های هوشمندانه به جای بخشش تن پرورانه پدید آوردند. نتیجه: سبک مدیریتی خیریه‌های مورد مطالعه در این پژوهش، برسنخ‌شناسی متکدیان و ساماندهی آنها بر مبنای شاخص‌های هر سنخ، بارویکرد مهارت‌آموزی قرار گرفته است. شیوه مدیریت خیریه‌هایی که در این پژوهش به عنوان الگو معرفی شده‌اند، برچند اصل به شرح ذیل قرار گرفته است: -تحقیق و بررسی در مورد کیفیت استحقاق افراد تحت پوشش، -تفکیک متکدیان: جدا کردن کودکان، جداسازی زنان و مردان، تفکیک متکدیانی که توان کار کردن دارند از متکدیان از کارافتاده و ناتوان. -آموزش مهارت‌های لازم به متکدیان و کارآفرینی برای آنان.

واژه‌های کلیدی:

موسسات خیریه، متکدیان، تکدی گری، قاجار، پهلوی

*نویسنده مسئول

علی‌زاده بیرجندی، ز. (۱۴۰۲). بررسی نحوه عملکرد خیریه‌ها در امور متکدیان (مطالعه موردی: دوره قاجار و پهلوی). مطالعات وقف و امور خیریه،

(۱)، ۲۳۹-۲۵۶. <http://dx.doi.org/10.22108/ecs.2023.134654.1009>



۱- مقدمه و بیان مسئله

از نظر لغوی، تکدی به معنای تکلف در سؤال، حاجت‌خواهی از این و آن در کوی و برزن (دهخدا: ذیل تکدی) و متکدی کسی است که از مردمی طلب کمک می‌کند که وظیفه‌ای در تأمین معاش او ندارند (بیانی، ۱۳۷۵: ۴۶ نقل از آراین‌پور، ۱۳۹۱: ۴). برخی از نویسندگان تکدیگری را حاجت‌خواهی از همگان در ملاعام با زیر پا گذاشتن شئون اجتماعی و انسانی به منظور رفع نیاز مادی دانسته‌اند (آراین‌پور، ۱۳۹۱: ۴). تعاریف متعددی از تکدی و واژگان وابسته به این مفهوم مطرح شده‌اند. در برخی از تعاریف، علاوه بر تبیین مفهوم، انواع تکدیگری و شگردهای متکدیان در جلب ترحم مردم مدنظر قرار گرفته‌اند. روش‌های متکدیان در جلب کمک شامل کاربرد جملات ترحم‌برانگیز، به نمایش گذاشتن تظاهر به نقص بدنی و تمارض، پوشیدن لباس‌های مندرس و برانگیختن احساسات عاطفی و مذهبی مردم است (کلانتری، ۱۳۷۲: ۶). در ایران کمک به متکدیان در قالب کمک‌های فردی یا توسط مؤسسات خیریه به‌ویژه در دو سده اخیر صورت گرفته است.

در دوره قاجار و پهلوی براساس اسناد و شواهد تاریخی تکدیگری رواج داشته است و روایت‌هایی درباره آثار مخرب آن به‌عنوان آسیب اجتماعی در منابع آن دوره نقل شده‌اند (سالور، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۳۸-۴۳۶ و ج ۳: ۱۹۸۱؛ ممقانی، ۱۳۶۲: ۴۹-۴۸). در ادوار مدنظر، افراد و مؤسسات خیریه مردمی و دولتی متعددی در راستای کمک به متکدیان اقداماتی انجام دادند. نوشتار پیش رو با عطف‌نظر به ماهیت، اهداف و عملکرد این خیریه‌ها بر آن است به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- دلایل رویکرد خیرین و مؤسسات عام‌المنفعه در این ادوار به امور متکدیان چه بود؟

- نحوه عملکرد خیریه‌ها و چالش‌های فراروی آنها در ساماندهی متکدیان چه بود؟

بررسی پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد در این زمینه کتابی با عنوان تکدیگری در دوره قاجار و پهلوی نگاشته شده که در آن ضمن تحلیل ریشه‌ها و عوامل مؤثر در بروز تکدیگری اشاراتی توصیفی به برخی اقدامات خیریه در امور متکدیان شده است. وجه تمایز مقاله حاضر با کتاب مذکور، تمرکز آن بر الگوهای مدیریتی خیریه‌ها در رسیدگی به متکدیان و مقابله با تکدیگری است. پژوهش پیش رو با فرض روایی کاربست الگوهای مدیریتی خیرین در ادوار مطالعه‌شده می‌کوشد با بهره‌گرفتن از منابع متعدد و اسناد آرشیوی ضمن نشان‌دادن تحول نگرش و کنش خیریه‌ها، تقریری از تجربیات و الگوهای عملکردی آنها را صورت‌بندی کند. در این بررسی دیدگاه دیز^۱ به‌عنوان مبانی نظری پژوهش مدنظر قرار گرفته است. در یافته‌هایی که در مطالعه دیز (۲۰۱۲) بیان شده‌اند، دو فرهنگ نگرش به امور خیر در جامعه وجود دارد که گاهی در تقابل با یکدیگر هستند:

(۱) فرهنگ انجام‌دادن کار خیر و صدقه‌دادن، (۲) فرهنگ حل مسئله.

فرهنگ نیکوکاری با قلب افراد گره خورده است و در ادیان و سنت‌های اخلاقی در سراسر جهان دیده می‌شود. همچنین فرهنگ مدرن‌تر حل مسئله وجود دارد که به‌جای فضیلت‌بودن، نوعی مهارت است. افرادی که به‌دلیل فقر آسیب دیده‌اند، نیازمند برنامه‌ای برای حل مشکل خود هستند. کردار نیک با توجه به نتایج ارزیابی می‌شود؛ اما برتری حل مسئله به‌مثابه یک مهارت با توجه به مفیدبودن نتایج آن می‌تواند در بهبود اقدامات آینده تأثیرگذار باشد. دیز در پژوهش خویش به استراتژی پنج مرحله‌ای به‌منظور حرکت به سمت فرهنگ جدید اشاره کرده است؛ این پنج مرحله عبارت‌اند از تأکید بر اهمیت حل مسئله از طریق آموزش، در دسترس بودن اطلاعات مربوط به عملکرد، جذاب نشان دادن بخشش هوشمندانه، دخالت‌دادن حامیان در حل مسئله و ارتقای موقعیت عاطفی افراد حل‌کننده مسئله (دیز، ۲۰۱۲ به نقل از سعدآبادی؛ آرامی‌پور و محمودی، ۱۳۹۹: ۲۰۰). این نوع نگرش‌های

¹ Dees



جدید درواقع نشان‌دهنده ناکارآمدی و عدم کارایی بخشش‌تن‌پرورانه و ضرورت جایگزینی بخشش هوشمندانه و کارآفرینی برای متکدیان و تغییر نگرش و فرهنگ سنتی خیریه است.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- تکدیگری و عوامل مؤثر در بروز و پیدایی آن

تکدیگری به‌عنوان آسیب اجتماعی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد و انواع گوناگون است. تکدی در بستر جامعه و متأثر از عوامل فرهنگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پدید می‌آید؛ ازاین‌رو، عوامل ساختاری جامعه بر نحوه بروز تکدیگری و رشد گونه‌های مختلف آن تأثیر می‌گذارد. درواقع بین جامعه و پدیده تکدیگری کنش و واکنش و تأثیرات متقابل وجود دارد؛ به عبارت روشن‌تر، تکدیگری در بستر جامعه تکوین می‌یابد و پس از پیدایی نیز بر جامعه تأثیر می‌گذارد.

در تبیین علل و ریشه‌های تکدیگری دیدگاه‌های متعددی مطرح شده‌اند. محسنی تبریزی (۱۳۸۳) در تحلیل علل تکدیگری عوامل فردی و روانی همچون تن‌پروری، عادت به زندگی انگلی و بی‌مسئولیتی فردی را مدنظر قرار داده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳ به نقل از نیازی، ۱۳۹۷: ۸). برخی دیگر از پژوهشگران نظیر حاجیان مطلق (۱۳۸۴) بر علل اقتصادی آن از منظر ساختارگرایی تأکید داشته‌اند و عواملی مانند پایین‌بودن سطح درآمد ملی، وقوع قحطی، رکود شدید اقتصادی، افزایش تورم بدون جبران درآمد، افزایش بیکاری و نامناسب‌بودن الگوهای توزیع درآمد که شکاف طبقاتی ایجاد می‌کند را سبب رواج تکدیگری دانسته‌اند. برخی از محققان نیز با رویکرد ساختارگرایی علل اجتماعی مؤثر در پیدایش تکدیگری را بررسی کردند و عواملی نظیر فقر، بیکاری، اعتیاد را در این زمینه برشمردند (نیازی، ۱۳۹۷: ۹-۱۰). دسته دیگری از پژوهشگران نیز در بروز تکدیگری از تأثیر عواملی مانند سازمان‌های متولی، مردم و متکدیان سخن گفته‌اند؛ براساس این نگرش، تکدیگری یک فرد متکدی ریشه در قصور و کوتاهی خود او، در نوع نگرش مردم و کمک‌های آنها و نیز در عملکرد نامناسب دولت دارد (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۶: ۵۰). در کنار این نظریات برخی بروز تکدیگری را به‌ویژه در تاریخ معاصر ایران تأثیر گرفته از برخی رخدادها نظیر اصلاحات ارضی و مسئله حاشیه‌نشینی دانسته‌اند. در اینگونه پژوهش‌ها گسترش محلات حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی و گسترش فرهنگ فقر در مناطق حاشیه‌نشین یکی از عوامل بروز تکدیگری و رواج آن به شمار آمده است (جعفری و گودرزی، ۱۳۹۸: چکیده).

علاوه بر پژوهش‌هایی که به آن اشاره شد، در میان یادداشت‌ها و خاطرات رجال دوره قاجار و خاطره‌نویسان این دوره نیز می‌توان به برخی از عوامل مؤثر در رواج تکدیگری در آن دوره دست یافت؛ برای نمونه، در میان خاطره‌نویسان عین‌السلطنه در دوره‌های مختلف زندگی خود همراه با توصیف شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران، فقر عمومی مردم و دلایل آن، گزارش‌هایی از متکدیان و نحوه رفتار و مزاحمت‌های آنها را در جامعه آن روز ارائه کرده است. او ضمن نشان‌دادن گونه‌های مختلف تکدیگری در آن دوران، از تکدی آشکار و پنهان سخن گفته است. یکی از گونه‌های تکدیگری که در روایت‌های عین‌السلطنه نشانی از آن می‌توان یافت تکدی پنهان است؛ اینگونه تکدی را می‌توان در رفتار معرکه‌گیران، مارگیران و سایر افرادی مشاهده کرد که از طریق نمایش با حیوانات در معابر عمومی از مردم پول مطالبه می‌کردند (سالور، ۱۳۷۷، ج ۵: ۴۰۴۵-۴۰۴۶). نکته جالب در گفته‌های عین‌السلطنه اشاره او به عوامل مؤثر در رواج تکدیگری در آن دوره است. در این زمینه او با بیانی انتقادی به ضعف ساختارهای سیاسی و اداری آن دوره اشاره کرده و در نقد عملکرد ماموران نظمیه و اشکالات ساختاری نظمیه مباحثی را یادآور شده است که با مبحث تکدیگری ارتباط دارند:

«تأمین معاش ماموران نظمیه از راه تکدیگری ناشی از ساختار معیوب نظمیه و عدم پرداخت مواجب آنهاست. این اداره بزرگ در این شهر معظم (تهران) منحصر به دویست نفر وافوری، بنگی، چرسی، گدا و فقیر از پست‌ترین مردم سفله این شهرند. فقط

معاش آنها از تکدی، دزدی و اعمال بسیار رکیک است. مقرری مختصری دارند، آن هم به آنها داده نمی‌شود» (سالور، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۹۸). علاوه بر این موارد، عین‌السلطنه به ساختارهای معیوب اقتصادی، نرخ بالای ارزاق و اوضاع نابسامان اقتصادی نیز اشاره کرده که سبب فقر و هلاکت مردم شده‌اند. در کنار این عوامل، او از معضل قحطی و آثار ناشی از آن نام برده که در رواج تکدیگری مؤثر بوده است (سالور، ۱۳۷۷، ج ۵: ۳۶۴۵).

احتشام‌السلطنه از دیگر رجال سیاسی آن دوره است که دستی در خاطره‌نویسی داشته و به مسائل تکدی در خاطرات خویش اشاره کرده است. احتشام‌السلطنه در میان عوامل مؤثر در بروز تکدیگری و عوامل تشدید آن، از عوامل طبیعی مانند سرمای فصل زمستان، شیوع بیماری‌های واگیر نظیر وبا، بروز قحطی، جهل، ظلم و ناامنی راه‌ها را به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز تکدیگری نام برده است (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳).

نکته جالب در اظهارات احتشام‌السلطنه این است که او علاوه بر تبیین عوامل مؤثر در فقر و تکدیگری از راهکارهای مقابله با این شرایط نیز سخن به میان آورده است. مشارکت ثروتمندان در امور خیریه و پذیرفتن نگهداری از کودکان فقیر نمونه‌ای از راهکارهایی است که احتشام‌السلطنه در روایت‌های خود از آن سخن گفته است. در این زمینه احتشام‌السلطنه ضمن اشاره به شرایط دشوار بروز قحطی و معضلات ناشی از آن می‌نویسد:

«... زمستان آن سال بی‌نهایت سخت شد. سرما و گرسنگی و بی‌نظمی در جمیع شئون و نبودن هیچ وسیله‌ای برای رفع آن بلیات هزارها مردم جان سپردند و ناخوشی وبا هم در تعاقب آن مصیبت‌ها شایع شد. مردم بعد از خوردن سگ و گربه و هرچه خوردنی و به قول معروف دندان‌گیر بود ناچار به خوردن اطفال پرداختند. مردم قحطی‌زده اطفال را می‌زدیدند و می‌خوردند. کودکان فقیر را به حکم دولت فی ما بین ثروتمندان تقسیم کردند، پدرم نگاهداری از پنجاه نفر را قبول کرد» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳).

علاوه بر خاطرات و یادداشت‌های رجال و نویسندگان ایرانی در سفرنامه‌ها و یادداشت‌های سیاحان و مأموران اروپایی، گزارش‌هایی از پدیده تکدیگری و آثار ناشی از آن در دوره قاجار وجود دارد. در نوشته‌ها این خاطره‌نویسان ضمن توصیف صحنه‌های ازدحام و هجوم گدایان در خیابان‌ها و معابر عمومی به دلایل و عوامل مؤثر در رواج تکدیگری اشاره کرده‌اند. برخی نیز از خاطرات خود در مواجهه با گدایان سخن گفته‌اند (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸-۳۹).

جعفر شهری در دو مجموعه *طهران قدیم* و *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، چشم‌اندازی از زوایای مختلف پدیده تکدیگری در عصر قاجار و اوایل دوران پهلوی را با جزئیات ارائه داده است. با بررسی گزارش‌های شهری می‌توان به تعریفی از تکدیگری مشابه آن چیزی دست یافت که در متون جامعه‌شناسی آمده است. او در این آثار به ترندهای گدایان در معابر عمومی برای ایجاد ترحم عابران و اخاذی با ذکر جزئیات اشاره کرده است. او در این زمینه از شگردهایی مانند تغییر شکل دادن اندام، ناقص کردن عضو و ایجاد جراحات روی جوارح و اندام‌ها یاد می‌کند (شهری، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۸۷). براساس اظهارات شهری برخی از متکدیان قسی‌القلب برای پول و جلب رقت بیشتر بینندگان، بدن خود و فرزندانشان و حتی کودکانی که از بچه دزدها می‌خریدند را مجروح می‌کردند. تولید جراحات روی اندام‌ها با مواد اسیدی، آتش و آب جوش صورت می‌گرفت؛ آنگاه جراحات را به‌صورت باز و در موضع مشمئزکننده که آب و چرک و خونابه از آن سرازیر می‌شد با فریاد و ناله‌های جان خراش خود در معرض دید قرار می‌دادند. چنانچه فرد خیرخواهی برای مداوایشان اقدام می‌کرد، بین راه یا از مریض‌خانه فرار می‌کردند (شهری، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۹۰). اظهارات شهری علاوه بر نشان‌دادن ابعاد آسیب‌شناسانه تکدیگری، از معضلات و موانع یاری‌رسانی به متکدیان نیز حکایت می‌کند.

نظریات مطرح در مورد عوامل مؤثر در بروز تکدیگری را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول نظریات بیشتر به نقش عوامل فردی در شکل‌گیری این پدیده توجه کرده‌اند؛ درحالی‌که دسته دوم نظریات بیشتر بر تأثیر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز هستند و اهمیت بیشتری را برای این ساختارها قائل شده‌اند. نظریاتی که معطوف به تأثیر عوامل فردی در تکدیگری است، به عواملی مانند معلولیت، آسیب‌های روانی و اخلاقی و مانند اینها اشاره می‌کنند و در سطح کلان از نابرابری‌های ساختاری و بی‌عدالتی اجتماعی سخن گفته می‌شود (آرام و قنبری باغستان، ۱۳۹۴: ۶۱). طرح نظریات و دیدگاه‌های مربوط به عوامل پیدایش تکدیگری و همچنین تأثیرات آنها به این دلیل اهمیت دارد که دید عمیق‌تری به موضوع را پیش روی محققان و به‌ویژه داوطلبان کمک به متکدیان قرار می‌دهد. همان‌گونه که در بروز تکدیگری مجموعه گسترده‌ای از عوامل متعدد دخالت دارند، تأثیرات و پیامدهای ناشی از تکدیگری نیز گوناگون و متفاوت‌اند.

تحقیقات بسیاری درباره پیامدهای تکدیگری انجام شده و منابع مختلف براساس رویکردشان به پدیده تکدیگری، به پیامدهای خاصی توجه کرده‌اند (آرام و قنبری باغستان، ۱۳۹۴: ۶۱). در یک نگاه کلی، تأثیرات این پدیده در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

- اثرات فیزیکی: نازیبایی فضای شهری به‌ویژه برای گردشگران؛
- اثرات اقتصادی: عادی کردن کسب درآمد بدون کار؛
- اثرات اجتماعی: پایبندنبودن به هنجارهای اجتماعی، ایجاد مزاحمت و ایجاد جلوه‌های ناخوشایند در فضای اجتماعی؛
- اثرات بهداشتی: بی‌توجه به مبانی بهداشتی و پاکیزگی (محیط، لباس، غذا و ...)
- اثرات اخلاقی: تهدید سلامت اخلاقی جامعه، جایگزین‌شدن رذائل اخلاقی در وجود متکدی؛
- اثرات حقوقی: بروز انواع جرائم، آمادگی برای توزیع مواد مخدر، دزدی، قاچاق، به‌کارگیری کودکان و زنان و ترویج فساد اخلاقی و جنسی؛
- اثرات روانی: ایجاد تنش، ناراحتی و آزرده‌گی خاطر به‌ویژه در پارک‌ها که محل استراحت و تمدد اعصاب است؛
- اثرات امنیتی: ناامن‌کردن محیط و جامعه به‌خصوص در شهرها (نیازی، ۱۳۹۷: ۲-۳).

۳- اقدامات خیرین و مؤسسات خیریه در ساماندهی متکدیان

اقداماتی که در ساماندهی متکدیان و رسیدگی به امور آنان در دوره قاجار و پهلوی صورت گرفته‌اند را می‌توان از نظر نوع کمک‌ها، انگیزه‌ها و فعالان این عرصه دسته‌بندی کرد. از جنبه فعالان و گروه‌هایی که در این حوزه فعالیت می‌کنند می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- اقدامات دولت و مؤسسات دولتی؛
 - فعالیت‌های افراد خیر؛
 - اقدامات مؤسسات خیریه؛
 - اقدامات مؤسسات خیریه تأسیس‌شده توسط اتباع خارجی.
- از دوره ناصری به بعد و همگام با انقلاب مشروطیت، مفاهیم نوینی در حوزه حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجودیت یافت. پس از مشروطه مؤسسات خیریه متعددی اعم از مردمی و دولتی، به‌منظور حمایت از یتیمان، بینوایان، زنان بی‌سرپرست، بیماران و متکدیان آغاز به کار کردند. اینگونه تشکیلات در زمان ناصرالدین شاه با عنوان وزارتخانه، وظایف و اوقاف رسیدگی به امور کشور را عهده‌دار شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۸۰۹-۱۸۱۰). در کنار این مؤسسات دولتی، افراد خیر در امر سرپرستی

کودکان فقیر و سرگردان در خیابان‌ها و تأمین خوراک، پوشاک و تعلیم و تربیت آنها و رفع نیازهای ضروری زندگی فرودستان اقداماتی انجام دادند. افزون بر این تکاپوهای افراد متمکن و نیکوکار، تعدادی از دولتمردان و رجال عالی‌رتبه در این امور مشارکت کردند. بخشی از فعالیت‌های خیریه دوره قاجار که برای بهبود وضعیت اجتماعی تحقق پذیرفت عبارت‌اند از:

- تهیه آماری از بینوایان متکدی در تهران به اهتمام محمدخان کلانتر، حاکم وقت در ۱۲۶۷ ق که در آن نام و نشان کاملی از متکدیان تهیه و گردآوری و نوع نقص جسمانی آنها نیز مشخص شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷: ۳۲). بدین ترتیب، هویت افرادی مشخص شد که در شهر، سرگردان و از گذران زندگی ناتوان بودند تا با برنامه‌ریزی برای آنها چاره‌ای اندیشیده شود؛ - تأسیس مریض‌خانه‌های دولتی در شمال و غرب تهران برای ارائه رایگان خدمات بهداشتی و درمانی به بینوایان (حجت بلاغی، ۱۳۵۰: ۱۹۳؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۷۳)؛

- برپاکردن مجلس اعانه در رمضان ۱۲۸۸ توسط محمد حسین خان سپهسالار در هنگامه قحطی و خشکسالی و بروز وبا: این مجلس با حضور کلانتر شهر، اعیان و بزرگان و کدخدایان، سرشناسان، پزشکان فرنگی و ایرانی و تعدادی از معلمان دارالفنون صورت گرفت (آدمیت، ۱۳۵۶: ۲۵۵-۲۵۶؛ روزنامه ایران، ۱۲۸۸ ق، شماره ۵۲: ۲ و شماره ۶۸: ۳-۲)؛ - اسکان فقرا در (نصرت‌آباد) جلالیه و تدارک غذا برای آنها در قحطی ۱۲۸۸ ق. به دستور ناصرالدین شاه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۹۲۷)؛

- ایجاد نخستین شرکت خیریه در پنجشنبه ۲۹ شوال سال ۱۲۸۸ ق. به منظور کمک به فقرا و نیازمندان در هنگامه قحطی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۹۲۸)؛

- افتتاح بیمارستان مبلغین آمریکایی در نزدیکی میدان بهارستان در ۱۳۱۰ ق. با حمایت ناصرالدین شاه و با هدف درمان رایگان بیماران نیازمند (ریشارد، ۱۳۶۳: ۲؛ شهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۹۴)؛

- استقرار گروه‌های امدادی در تهران و تجریش برای مداوای بیماران و توزیع دارو در محله‌های فقیرنشین با شیوع بیماری وبا در ۱۳۲۵ قمری (بل، ۱۳۶۳: ۵۱)؛

- به عهده گرفتن هزینه تحصیل صد دانش‌آموز فقیر در مدرسه رشديه و تأسیس مدرسه خیریه ایتام توسط میرزا علی خان امین‌الدوله (سپهر، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۹۳)؛

- تأسیس مدرسه خیریه برای سرپرستی شبانه‌روزی بیست کودک یتیم به اهتمام میرزا سید کریم خان فیروزکوهی امیر منتظم با پشتیبانی و تشویق شیخ هادی نجم‌آبادی و همراهی احتشام‌السلطنه، میرزا حسن رشديه، میرزا یحیی دولت‌آبادی، منیرالدوله گیلانی، میرزا حسن خان شوکت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۸۶۰؛ سپهر، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۶)؛

- جمع‌آوری کودکان متکدی و بی‌سرپرست سادات از کوچه‌ها و خیابان‌ها و بازداشتن آنها از گدایی: در ذیحجه ۱۳۱۶ ق به اهتمام انجمن معارف و با کمک و حمایت یحیی دولت‌آبادی و کریم خان مختارالسلطنه گروهی از سادات فقیر جمع‌آوری شدند و به وضعیت آنها رسیدگی شد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۷۲: ۲۸۱). به دنبال ساماندهی کودکان تهی‌دست و کودکان متکدی سادات تربیت و نگهداری آنها نیز درخور توجه قرار گرفت. انجمن معارف ابتدا تصمیم گرفت برای تعلیم این کودکان مدرسه خیریه‌ای تأسیس کند. مدرسه سادات توسط میرزا یحیی دولت‌آبادی و با مدیریت آقای آقا سید جلیل خلخال با ظرفیت ۵۰ دانش‌آموز در ۱۸ ذیحجه ۱۳۱۶ ق افتتاح شد. در این مدرسه کودکان سید و بی‌سرپرستی حضور می‌یافتند که در تهران ولگردی و گدایی می‌کردند (ملک‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۴؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۴۱). یحیی دولت‌آبادی انگیزه خود از انجام این عمل خیرخواهانه را اینگونه بیان کرده است:

«نگارنده از این وضع ناهنجار بنی اعمام فقیر خود که از طفولیت بیکار و بی‌سواد، دست شکسته، هتاک، بی‌آبرو و به تکدی عادت می‌کنند بی‌نهایت آزرده می‌باشد و می‌داند جلوگیری از بزرگان آنها بی‌نتیجه و انصراف از کودکانشان نیز به تعلیم و تربیت از راه دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۴۷).

ژانت آفاری در شرح اقدامات فرهنگی دولت‌آبادی از سه مدرسه‌ای نام می‌برد که دولت‌آبادی با نام‌های سادات، ادب و کمالیه تأسیس کرد. در این میان آفاری مدرسه سادات را به دلایل بسیاری یک مدرسه ابتکاری دانسته است؛ زیرا در این مدرسه به پسران فقیر آموزش می‌داد که با شال سبز و با نام سید در خیابان‌های تهران گدایی می‌کردند (آفاری، ۱۳۸۵: ۷۰).

براساس شواهدی که بدان اشاره شد، می‌توان به روشنی دریافت در کنار اقدامات دولتی نقش تأثیرگذار خیرین جایگاه مهمی در ساماندهی و رسیدگی به امور متکدیان در آن دوران داشته است.

اهتمام ویژه به کودکان بی‌سرپرست در این دوره سبب شد تعدادی از پزشکان نیکوکار به تدریج مراکز خیریه‌ای را برای نگهداری کودکان بی‌سرپرست تجهیز کنند که نمونه آن اقدام همسر صحاف‌باشی در اختصاص دادن سه دانگ از ملک شخصی خود به محل نگهداری کودکان بی‌سرپرست در ۱۲ شوال ۱۳۲۴ ق بود (بابایی، ۱۳۶۹: ۲۹). اگر این اقدامات درباره کودکان بی‌سرپرست انجام نمی‌گرفت خیل عظیمی از این کودکان به جرگه گدایان آواره در اماکن عمومی ملحق می‌شدند.

علاوه بر بلدی و مؤسسات دولتی، افراد خیر با ایجاد مؤسساتی به شیوه‌های مختلف به متکدیان و مستمندان یاری می‌رساندند. در کتاب زیر پوست شهر که مبتنی بر راهبردهای نظمی شیراز است، نمونه‌ای از فعالیت‌های افراد خیر برای متکدیان ذکر شده است. در یکی از این گزارش‌ها به اقدامات حاجی محمد رحیم سمسار در اطعام فقرا و گدایان اشاره شده است؛ گویا این فرد که بانی برخی از مجالس روضه‌خوانی و تعزیه بوده، متکدیان را اطعام می‌کرده است. در این گزارش آمده است بسیاری از فقرا و متکدیان دعاگوی او هستند (اتحادیه و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۵۲). در گزارش دیگری از مفتشین مخفی نظمی شیراز به تاریخ ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ ق خبر تدارک و تجهیز گداخانه توسط حضرت والا (احتمالاً عبدالحسین میرزا فرمانفرما) گزارش شده است:

«خدا رحمت کند پدر و مادر حضرت اقدس والا را که این تدارک گداخانه‌ها را کردند و مردم را جمع نمودند و فقرا را نان دادند و الا دو کروار بنده خدا از گرسنگی می‌مردند» (اتحادیه و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

در کنار اقداماتی که بدان اشاره شد، باید از فعالیت‌های عام‌المنفعه مبلغان مذهبی مسیحی در دوره قاجار یاد کرد. علاوه بر مسیحیان ایران، اقشار مختلف جامعه ایران اعم از مسلمان، زرتشتی، یهودی از خدمات این مبلغان بهره‌مند می‌شدند (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۱).

در دوره پهلوی اول نیز دولت طرح‌های متعددی را برای جمع‌آوری و ساماندهی متکدیان انجام داد. روزنامه‌ها و مطبوعات آن روزگار از جمله منابع معتبری‌اند که ضمن گزارش تفصیلی وضعیت بی‌خانمان‌ها و متکدیان، از اقدامات انجام‌شده در زمینه گردآوری آنها گزارش‌هایی را منتشر کرده‌اند. براساس این گزارش‌ها یکی از راه‌های تأمین هزینه ساماندهی متکدیان، درخواست‌های دولت از مردم برای پرداخت اعانه و همکاری بود که این کار به صورت‌های مختلف مانند چاپ قبض (شفق سرخ، ۱۳۰۴: ۲) و دعوت از ثروتمندان شهرها به انجام می‌رسید. فراخواندن و دعوت ثروتمندان شهرها به برپایی مهمانی‌ها و مراسم جمع‌آوری اعانه نیز زمینه‌های تشکیل انجمن‌های خیریه را میان مردم فراهم می‌کرد (همان).

اهتمام دولت در جمع‌آوری گدایان و بی‌خانمان‌ها و زدودن آثار فقر از چهره شهرها کاری پیوسته بود؛ اما با هجوم بیکاران و مهاجران شهرهای دیگر به تهران نتیجه چندانی به دست نمی‌آمد و دائم بر معضلات شهری افزوده می‌شد (سند شماره ۱۲۳۰۰۴-۸۰۰ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال آسیب‌های اجتماعی ناشی از این جنگ همچون فقر، بیماری، بیکاری، تکدیگری، بزهکاری و ... اذهان فعالان اجتماعی به سمت‌وسوی تأسیس بنگاه‌های خیریه برای رفع اینگونه آسیب‌ها جلب شد. در این دوره به دلیل بازتاب مسائل اجتماعی در آثار ادبی و سینما و سایر رسانه‌ها دامنه آگاهی‌های اجتماعی و ضرورت رفع آسیب‌های اجتماعی بیشتر احساس شد. فعالیت گروه‌های چپی و آرمان‌های آنها برای کمک به فرودستان و مطالبه شرایط معیشتی برای کارگران نیز زمینه‌ای برای توجه بیشتر به امور اجتماعی پدید آورد. همه این عوامل در پیدایش نوع جدیدی از انجمن‌ها و سازمان‌های خیریه و عام‌المنفعه نقش اساسی داشتند. در این دوران شمار زیادی از مردم علاوه بر همکاری با سازمان‌هایی مانند جمعیت شیر و خورشید سرخ در قالب گروه‌های مذهبی، انجمن‌های زنان، انجمن‌های محلی و دیگر مؤسسات خیریه خصوصی فعالیت‌های چشمگیری را به انجام رساندند. در کنار این مؤسسات، نهاد وقف نیز همواره در ایران مانند دیگر کشورهای جهان اسلام فعالیت می‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۳). در کنار مؤسسات خیریه که بدان اشاره شد، باید از فعالیت‌های مؤسسات خیریه تأسیس شده توسط اتباع خارجی و به‌ویژه میسیونرهای مذهبی در ایران نام برد. این میسیونرها گذشته از تبلیغات مذهبی بنا بر اصل نوع‌دوستی، پاره‌ای از فعالیت‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه را انجام می‌دادند. اینگونه مؤسسات پس از جنگ جهانی اول در سطح جهان پدید آمدند و میسیونرهای اروپایی و آمریکایی در دوره رضاشاه و پس از آن، خدمات به مردم فقیر و مستمند ارائه می‌دادند (علیزاده بیرجندی و ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۲). از دیگر مؤسسات خیریه خارجی در ایران مؤسسه کاره است که در ۱۹۴۵ میلادی از اجتماع ۲۲ سازمان آمریکایی برای سرعت‌بخشیدن به روند ارسال بسته‌های حمایتی برای بازماندگان جنگ جهانی دوم تأسیس شد. با رفع بحران قحطی و مشکلات جنگ‌زدگان در اروپا این روند به ارسال کمک‌های بشردوستانه به مناطق محروم جهان تبدیل شد که در ایران نیز شعبه‌ای از این مؤسسه در امور خیریه فعالیت می‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۷۸).

در دوره پهلوی دوم ضمن الگوپذیری از روندها و فعالیت‌های مؤسسات خیریه بین‌المللی و تعامل با آنها، امور خیریه و عام‌المنفعه از طریق دو حوزه قانون‌گذاری و نهادسازی تداوم یافت که یکی از جنبه‌های این امر ایجاد کمیسیون کمک به مستمندان در سال ۱۳۳۱ ش بود. در کنار فعالیت‌های دولتی، مؤسسات خیریه مردمی نیز در خلال سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ در رسیدگی به امور متکدیان و مستمندان فعالیت داشتند که می‌توان برای نمونه از انجمن‌های ذیل نام برد:

- انجمن خیریه شمال شرق تهران، انجمن خیریه ایرانیان، انجمن تعاون، انجمن خیریه شهری، انجمن خیریه عودلاجان، انجمن خیریه شمیران، انجمن خیریه بدر چاله میدان و آسایشگاه وابسته به آن، جمعیت خیریه تبریز، خیریه نوبر تبریز، بنگاه خیریه بنیاد ایران، مؤسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز، جمعیت نیکوکاری اصفهان، پذیرشگاه پارسایی، موقوفه وادیا، انجمن آشور و کلد، تهران، جمعیت خیریه ارامنه، انجمن خیریه ایران و آمریکا، کمیته اعانه انگلیس و ایران، انجمن خواروبار خاورمیانه و کلوپ روتاری شمال تهران و مؤسسه کاره (علیزاده بیرجندی و ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۷).

در میان بانیان مؤسسات خیریه، تنوع چشمگیری از نظر سطح و پایگاه اجتماعی دیده می‌شود؛ از خاندان سلطنت، روحانیون، تجار، دولتمردان سیاسی، اقلیت‌های مذهبی، خاندان‌های مشهور در شهرهای مختلف ایران، مبلغین مسیحی خارجی تا افراد عادی در فعالیت‌های خیریه مشارکت داشتند. هریک از این افراد و گروه‌ها با انگیزه‌های خاصی از مذهبی اخلاقی تا سیاسی و تبلیغی وارد

عرصه عمل شدند. زنان آن دوره نیز از غافله کمک به متکدیان عقب نماندند؛ در این میان می‌توان از اقدامات برخی زنان خیر نظیر زهرا سلطان نظام مافی «فرمانفرمائی» یاد کرد.

زهرا سلطان عزت‌السلطنه، دختر رضا قلی خان مافی (متولد ۱۳۱۲ ق) پس از مرگ همسرش عباس میرزا سالار لشکر زندگی پر از رنجی را سپری کرد که بخشی از آن به واسطه ظلم رضا شاه بر او و فرزندانش و مصادره بخشی از املاک آنها بود. این بانوی نیکوکار با وجود شرایط دشوار در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۹ ش که درگذشت، تعداد زیادی از کودکان مستمند و بی‌خانمان را به سرپرستی خود گرفت. علاوه بر نگهداری افراد بی‌سرپرست، ایجاد آموزشگاه‌های حرفه‌ای و قرارداد موقوفاتی بر این آموزشگاه‌ها از زمره اقدامات خیریه این زن نیکوکار محسوب می‌شود (ملک‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۶). در شرح اقدامات خیریه زهرا سلطان نظام مافی اشاره‌ای به متکدیان نشده است؛ اما به‌طور تلویحی می‌توان دریافت سرپرستی کودکان بی‌خانمان را شاید بتوان در زمره اقدامات کمک به متکدیان جای داد؛ به‌ویژه آموزشگاه‌های حرفه‌ای که توسط زهرا سلطان نظام مافی ایجاد شدند، از نظر ساختاری و اهداف شباهت نزدیکی با اردوی کار داشتند. این اردوها برای دادن آموزش‌های لازم به متکدیان پدید آمدند.

بخشی از درآمدهای خیریه‌ها از طریق کمک‌های خاندان سلطنتی، افراد وابسته به دربار پهلوی، سرمایه‌داران و صاحبان صنایع تأمین می‌شد. این امر اگرچه اثرات مثبتی را با خود به همراه داشت، موجب فاصله‌گرفتن گروه‌های مخالف از مشارکت در امور خیریه می‌شد. مخالفان نظام پهلوی به دلیل حضور دولت و افراد منسوب به سلطنت در ترکیب اعضای خیریه‌ها همکاری با آنها را به‌منزله همراهی با حکومت ظلم، تلقی و از ورود به این خیریه‌ها خودداری می‌کردند؛ البته استثنائاتی وجود داشت؛ برای مثال، به تأسیس پرورشگاه یتیمان مظفری می‌توان اشاره کرد که مرجع تقلید بزرگ آن زمان، آیت‌الله بروجردی مبالغی را برای ایجاد موقوفات این پرورشگاه ارسال کرد و همچنین جمعیت خیریه تبریز با کسب اجازه شرعی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تشکیل شد. نمونه‌های دیگری نیز از تمایل مراجع تقلید زمان برای مشارکت در بهبود وضعیت اجتماعی و مشارکت در انجمن‌های خیریه در این زمان دیده می‌شود. علاوه بر مشارکت ثروتمندان و برخی از طبقات بالای جامعه افراد معمولی جامعه و حتی کسانی که وضع مالی مناسبی نداشتند نیز در این امور خیر شرکت می‌کردند. این مشارکت‌ها صرفاً پرداخت پول به مؤسسات خیریه نبود؛ بلکه برخی از این افراد، فعالیت‌های داوطلبانه در رسیدگی به وضعیت بیماران خانواده‌ها و کودکان بی‌سرپرست انجام می‌دادند (ملک‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۵۲-۳۵۳).

با افزایش تعداد متکدیان، دولت و مؤسسات دولتی در نگهداری و رسیدگی به آنها با مشکلاتی نظیر کمبود بودجه و کمبود امکانات و فضا مواجه شدند؛ به دلیل این معضلات بود که زمینه‌های مشارکت خیریه‌های مردمی با دولت فراهم شد. براساس برخی از اسناد آرشیوی و مکاتبات دولتی کمک‌های مادی که انجمن‌های مختلف خیریه به مستمندان و برخی متکدیان می‌کردند سبب شده بود عده زیادی از اشخاصی که توانایی کارکردن داشتند، به تدریج به بیکاری خو بگیرند و دیگر تن به کار ندهند (سند شماره: ۱۲۳۰۰۴-۸۸۲ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران). برای رفع این معضل اداره کل انتشارات و تبلیغات پیشنهاد کرده بود شهرداری تهران با کمک انجمن‌های خیریه پایتخت و تعیین نماینده از هر انجمنی شیوه‌ای اتخاذ کنند که ابتدا برای مستمندان و متکدیان که قادر به کارکردن هستند کارگاهی ایجاد شود و از وجود آنها استفاده لازم به عمل آید و از این راه از شیوع بیکاری و ولگردی جلوگیری شود؛ دوم، محلی نیز برای کودکان و خردسالان بی‌سرپرست در نظر بگیرند تا به تربیت و تعلیم آنها توجه و کارهای مناسب به آنها واگذار شود. اجرای اینگونه پیشنهادات در آن دوران، کار غیرعملی و دشوار بود و به زمان بیشتری نیاز داشت؛ به همین دلیل در ۱۳۲۲ ش شهرداری تصمیم گرفت

زارعانی که از روستاهای اطراف پایتخت آمده بودند را برای کشت و زرع به زادگاهشان انتقال دهد (سند شماره - ۱۷۰۰ ۱۰۹۰۰۸ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

۴- نگرشی بر الگوهای مدیریتی برخی خیریه‌های فعال در امور متکدیان

یکی از چالش‌های فراروی خیرین در دوره پهلوی، گونه‌های مختلف تکدیگری بود. برخی از متکدیان در زمرة گدایان حرفه‌ای، مجرم و کلاش و برخی دیگر، گدایان معلول، نابینا و نیازمند رسیدگی بودند. در این میان باید به متکدیان متمرّض و کسانی اشاره کرد که با ترفندهای خاص، خود را معلول جلوه می‌دادند یا اقدام به ناقص کردن عضو خویش می‌کردند. مدیریت این طیف‌های متنوع متکدیان، کار دشواری بود. برخی از گدایانی که به نوانخانه‌ها تحویل داده می‌شدند، مدعی بودند متکدی نیستند و به اشتباه در نوانخانه اسکان داده شده‌اند (سند شماره ۵ و ۶ / ۵۲۶۵-۳۵۰ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران). این مطلب نیز نشان‌دهنده دو نکته اساسی است؛ اول، احتمالاً برخی از این افراد ترجیح می‌دادند به همان تکدیگری ادامه دهند که برایشان درآمدزا بود و دوم، برخی نیز اگرچه خود را متکدی نمی‌دانستند، می‌توان آنها را در زمرة متکدیان پنهان قرار داد. متکدیان پنهان همان متکدیان دوره‌گردی بودند که برای مصون ماندن از دستگیر شدن توسط مأموران اقدام به فروش اقلامی در قالب دوره‌گردی می‌کردند (کلانتری، ۱۳۷۲: ۱۲۲-۱۲۳).

افزون بر تکرر گونه‌های تکدیگری که خیرین را با مشکلات متعدد در مدیریت خیریه‌ها و دستگیری از متکدیان مواجه می‌کرد، برخی نگره‌های رایج در باب فقر و اندیشه‌های صوفیانه نیز که مبتنی بر ستودن فقر بود (عابدی، ۱۳۸۶: ۱۰) و برداشت‌های ناروایی که از این انگاره‌ها می‌شد، مقابله با تکدیگری را با مشکل مواجه می‌کرد. همه این معضلات سبب شد خیریه‌ها با دقت و تیزبینی بیشتر به تدوین اساسنامه‌های خود و کیفیت‌بخشی به امر کمک به متکدیان بپردازند. در این زمینه به چند خیریه نمونه با ذکر اساسنامه آنها اشاره شده است.

یکی از این بنیادهای خیریه در دوره پهلوی اول، نوانخانه بیرجند است. در این نوانخانه تعدادی مردم عاجز، ناتوان، سالخورده، بینوا و ... نگهداری، تیمارداری، پرستاری و سرپرستی می‌شدند. این نهاد به همت محمد ابراهیم خان شوکت‌الملک علم در قطعه زمینی که از املاک خودش به این بنیاد اختصاص داده بود و با کمک چند نفر از توانگران ایجاد شد. در آغاز این محل را «دارالمساکین» یا «دارالعجزه» می‌خواندند و بعداً نام نوانخانه بر آن نهاده شد. ساختمان نوانخانه بیرجند دو قسمت داشت که یکی را به زنان و دیگری را به مردان اختصاص داده بودند. هریک ورودی و خروج جداگانه‌ای داشت. بعدها بخشی را به کودکان اختصاص دادند. در بخش اخیر کارگاه‌هایی مانند قالی‌بافی، نجاری و ریسندگی ایجاد کرده بودند و حرفه‌هایی را به کودکان می‌آموختند. علاوه بر آن، برخی از کودکانی که استعدادی داشتند را برای سوادآموزختن به مدارس شهر می‌فرستادند. کسانی که از میان همین کودکان برخاستند و تا اخذ درجات بالا دانشگاهی پیش رفته‌اند، کم نیستند (رضایی، ۱۳۸۱: ۳۲۶).

شیوه مدیریت، اهداف و روش‌های تأمین بودجه در این مؤسسه خیریه درخور توجه است و به‌عنوان الگویی در مدیریت خیریه‌ها می‌تواند مدنظر قرار گیرد. بودجه نوانخانه بیرجند از عایداتی تأمین می‌شد که از طریق سرمایه‌گذاری اعضای کمیسیون بلدیّه بود که غالباً از متنفذین و متمولین شهر بودند. گفتنی است شوکت‌الملک و سایر خیرین نیز کمک‌های بسیار مؤثری به نوانخانه داشتند. تفکیک کودکان از سایر افراد مقیم در نوانخانه یکی از شیوه‌های مهم مدیریتی و تربیتی در نوانخانه بیرجند بود. به دنبال افزایش تعداد افراد مقیم در نوانخانه به‌ویژه کودکان یتیم و بی‌سرپرست، کودکان از سایر افراد تفکیک شدند. در قسمت مربوط به دارالعجزه توجه دقیق به کار می‌رفت که اگر کسانی قادر به انجام کاری هستند در آن کار از وجود آنها استفاده شود؛ برای نمونه، ریسندگی و

بافندگی‌های ساده و مردان که قدرت کار داشتند نیز روزها در شهر به عملگی می‌رفتند و اجرتی هم دریافت می‌کردند که قسمت عمده این اجرت به خود آنها تعلق داشت. این وجوه موقع خروج افراد از نوانخانه که غالباً پس از انقضای فصل سرما بود به‌عنوان سرمایه کسب و زندگی در اختیارشان قرار می‌گرفت؛ اما در قسمت مربوط به کودکان توجه و دقت بیشتری به کار می‌رفت؛ زیرا در این بخش علاوه بر نگهداری کودکان، تربیت آنها نیز مدنظر قرار داشت. به همین دلیل برای کودکانی که به سن تعلیم رسیده بودند، کلاس تدریس مهیا شده بود و در ساعات معین معلمانی به آنها آموزش می‌دادند. برای بقیه ساعات روزشان نیز تأسیساتی وجود داشت که هرکدام فراخور ذوق و استعداد خود حرفه‌ای را فراگیرند. حرفه‌هایی که غالباً آموزش داده می‌شد، قالی‌بافی و نجاری بود. کودکان زیرنظر یک نفر استاد کار به نجاری اشتغال داشتند. قسمت کودکان نوانخانه بیرجند بخش پراثر و پرثمری از کار درآمد. بعضی از کودکانی که در آنجا سواد آموخته بودند، پس از رسیدن به سن بالا از آنجا خارج می‌شدند و با کمک اشخاص خیر یا به همت و پشتکار خودشان در مدارس شوکتیه یا مدارس دیگر معلومات لازم را تا حد آموزگاری فرا می‌گرفتند و در مدارس قاینات و توابع بیرجند تدریس می‌کردند. بسیاری از خانواده‌های متمکن بیرجند خواستار می‌شدند یک یا دو نفر از دخترهای یتیم و بی‌سرپرست که در نوانخانه نگهداری و به شرح مذکور تربیت می‌شدند را در اختیار بگیرند تا در امور خانه کمک و معاون آنها باشند (منصف، ۱۳۵۵: ۱۵۹-۱۵۷).

آنچه در نوانخانه بیرجند از جهت آموزش حرفه‌های مختلف صورت گرفت را می‌توان به‌عنوان نمونه ابتدایی «اردوی کار» دانست. در زمانی که نوانخانه بیرجند با این شیوه مدیریتی اداره می‌شد، در بسیاری از شهرها از جمله تهران هنوز نمونه‌هایی از آن به وجود نیامده بود. شاید بتوان گفت پیدایش اینگونه نهادها در نتیجه وجود امرای نیکاندیش و خیرین مدبری بود که در جامعه آن روز بیرجند حضور داشتند. حتی در درون خانواده امرای محلی و خانواده شوکت‌الملک نیز بانوانی بودند که برای کمک به کودکان بی‌بضاعت و خانواده‌های مستمند توجه ویژه‌ای مبذول می‌داشتند که از آن جمله می‌توان به خدیجه علم اشاره کرد که بخشی از اموال خویش را در راه تأسیس دارالتعلیم و دارالتربیه دوشیزگان اختصاص داد (منصف، ۱۳۵۵: ۱۵۹-۱۵۷).

یکی دیگر از مؤسساتی که در زمینه امور متکدیان اقدامات درخور توجهی را ارائه داد، مؤسسه خیریه نوبر تبریز تأسیس ۱۳۲۵ش است. تبریز غالباً به‌عنوان یک شهر بدون گدا معرفی شده است و در این زمینه براساس پایش و مطالعات انجام‌شده، عوامل متعددی در این زمینه مؤثر بوده‌اند که در میان این عوامل باید از نقش مردم، مسئولان و خیرین یاد کرد که به شیوه‌ای هماهنگ و سنجیده عمل کرده‌اند (بشیرزاده، ۱۳۹۴: ۵).

خیریه نوبر تبریز از بدو تأسیس به کیفیت کمک بیش از کمیت آن اهمیت داد و بنیان‌گذاران آن عقیده داشتند اگر دستگیری و کمک به مستحقان براساس اصول صحیح و سنجیده صورت نگیرد علاوه بر اینکه در کاستن آلام جامعه تأثیری نخواهد داشت، پیامدها و نتایج ناگواری بر آن مترتب خواهد بود؛ ازاین‌رو، اهداف این خیریه در رعایت اصولی متمرکز بوده‌اند که می‌توانند به‌عنوان الگوی عملی برای خیریه‌های امروز مطرح شوند؛ این اصول به قرار ذیل هستند:

- انجام اقدامات لازم در راستای تأمین آینده آبرومند و ثمرات دائم و مستمر برای افراد حمایت‌شده، فراهم کردن امکانات تحصیل برای کودکان بی‌کس و تهی‌دست محله نوبر و آموزش مهارت‌هایی همچون دوزندگی و بافندگی برای آموزش دختران بی‌بضاعت؛
- تحقیق و بررسی دقیق درباره کیفیت استحقاق افراد تحت پوشش تا کمک‌ها به افرادی داده شوند که امکان ارتزاق و تحصیل معیشت از آنها سلب شده باشد؛ نه اینکه با سهل‌انگاری در مساعدت‌ها حس غیرت و روح مناعت را در افراد معدوم کنند و بر تعداد دریوزگان و بیکاران طفیلی بیفزایند و عناصر تنبل و تن‌پرور را به گدایی تشویق کنند (واحدی، ۱۳۴۲: ۸۱).

براساس گزارش‌های منتشرشده از مؤسسه خیریه نوبر تبریز، برخی مؤسسات و رجال دولتی با این مؤسسه همکاری داشتند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- نمایندگان آذربایجان: این عده علاوه بر هدایای نقدی، از نظر تسریع و تسهیل روند انجام تقاضاها و درخواست‌های خیریه نوبر در وزارتخانه‌ها و ادارات مرکز نیز همکاری داشته‌اند؛
- ۲- استانداران و فرماندهان لشکر: این افراد نیز از طریق پرداخت وجوه و کمک‌های نقدی به این مؤسسه خیریه یاری رساندند؛
- ۳- بیمارستان شیر و خورشید سرخ تبریز: این بیمارستان بیماران معرفی‌شده از طرف خیریه نوبر را مداوا کرد و در مواردی وجوه نقدی نیز به این خیریه اهدا کرد؛
- ۴- اداره فرهنگ آذربایجان: این اداره در راستای تعلیم و تربیت کودکان مورد سرپرستی و حمایت خیریه نوبر فعالیت داشت؛
- ۵- پزشکان محله نوبر و اداره بهداشتی تبریز: این گروه نیز در امر درمان افراد تحت پوشش این خیریه همکاری کرده‌اند؛
- ۶- اداره تبلیغات و رادیوی تبریز: این اداره با تبلیغ و ترویج اقدامات خیریه و تشویق مردم برای کمک به این خیریه نقش چشمگیری در تحقق اهداف خیریه انجام داد (واحدی، ۱۳۴۲: ۱۰۹-۱۱۰).

این جمعیت، اهداف مختلفی را براساس نیاز مستمندان محله نوبر تبریز دنبال می‌کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- تأمین وسایل تحصیل و تأسیس آموزشگاه‌های صنعتی دخترانه و پسرانه برای مستمندان و ایتام؛
 - ایجاد مراکز بهداشتی برای درمان بیماران مستمند؛
 - تأمین معاش و اداره افراد از کارافتاده برای جلوگیری از شیوع تکدیگری؛
 - تهیه وسایل تدفین اموات بی‌کس یا امواتی که بازماندگان آنها از تأمین مخارج کفن و دفن ناتوان بودند؛
 - اعطای قروض طولانی‌مدت به اشخاص آبرومندی که دارایی آنها در حوادث روزگار از دست رفته است (مال‌باختگان)؛
 - تهیه سوخت زمستانی مستمندان.
- عمده درآمد این مؤسسه خیریه از محل اعانه‌های پرداختی اعضا و اشخاص خیر به صندوق خیریه تأمین می‌شد و کمیسیون مستمندان تبریز نیز مقداری برای کمک به بودجه دبستان‌های این جمعیت اختصاص داده بودند. از بررسی تاریخچه این جمعیت خیریه می‌توان دریافت کمک‌های کمیسیون مستمندان تبریز نقش مهمی در حمایت‌های مالی و رشد فعالیت‌های این خیریه داشته است. شاهد این مدعا آن است که انحلال کمیسیون سبب توقف قسمتی از فعالیت‌های اجتماعی جمعیت خیریه نوبر شد (درکتانین، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

جمعیت خیریه نوبر تبریز در طول حیات خود علاوه بر مشکلات مالی با مسائل و چالش‌های دیگری نیز مواجه بوده است. در سال ۱۳۵۲ ش به‌دلیل رشد و توسعه فعالیت‌های نیکوکارانه این جمعیت هیئتی به نام هیئت دارالایتام تأسیس شد. این هیئت را ساواک و شهربانی کنترل می‌کردند تا جایی که پس از استعلام از افراد مؤسس، دو نفر در این جمعیت که قبلاً به جرم فعالیت سیاسی ضد رژیم محکوم شده بودند از آن جمعیت اخراج شدند. پس از این جریان، رئیس ساواک استان آذربایجان شرقی به شدت نگران فعالیت جمعیت خیریه نوبر شد و دستور داد شش بند به اساسنامه آن جمعیت اضافه شود تا ساواک نظارت و کنترل بیشتری بر آن جمعیت داشته باشد. این شش بند عبارت‌اند از:

- ۱- تشکیل شعب مؤسسه منوط به تحصیل مجوز از مقامات ذی‌صلاح خواهد بود؛
- ۲- هرگونه تغییر در اساسنامه پس از اصلاح و تأیید مقامات ذی‌صلاح صورت می‌گیرد؛

۳- مسائل و مواردی که در اساسنامه پیش‌بینی نشده‌اند و تدوین آیین‌نامه اجرایی آن نباید با قوانین جاری مملکت مغایرت داشته باشد؛

۴- تجدید انتخاب اعضای هیئت مدیره و پروانه فعالیت مؤسسه با اطلاع و تأیید مقامات ذی‌صلاح امکان‌پذیر خواهد بود؛

۵- انتشار هرگونه تألیفات و نشریات از طرف مؤسسه باید با رعایت قوانین مطبوعات کشور انجام گیرد؛

۶- دعوت از بیگانگان و مصاحبه با آنها و کسانی که به نحوی با هدف مؤسسه ارتباط دارند، منوط به اطلاع قبلی مقامات ذی‌صلاح است (درکتانیان، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

گفتنی است فعالیت‌های این مؤسسه خیریه حتی در زمان انقلاب و جنگ ایران و عراق نیز ادامه پیدا کرد و در مواقع بحرانی که نیاز به جمعیت‌های خیریه بیشتر احساس می‌شد، این جمعیت فعالیت‌های چشمگیری در زمینه امور عام‌المنفعه انجام داد (درکتانیان، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

بررسی اهداف این جمعیت نشان‌دهنده وجود دو اصل کلیدی و تمایزبخشی است که برآیند تجربیات متولیان این جمعیت و عامل تداوم فعالیت‌های آن بوده است. اصل اول تأکید بر این بود که اقدامات این جمعیت جنبه گداپروری ندارد و به افرادی که گدایی را حرفه خود قرار داده باشند، هیچ کمکی نخواهند کرد. اصل دوم، عدم مداخله جمعیت در امور سیاسی است (درکتانیان، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

آنچه در دغدغه‌های جمعیت خیریه نوبر از جهت مقابله با تکدیگری به چشم می‌خورد، امروز جزء دغدغه‌های پژوهشگران عرصه مطالعات خیریه است. در اینگونه مطالعات از تعبیری مانند «بخشش هوشمندانه»، دخالت‌دادن حامیان امور خیریه در حل مسئله یاد شده است. بر مبنای شاخص‌های نظری دیز در این شیوه مدیریتی، مسئله متکدیان از طریق مهارت‌آموزی و بخشش هوشمندانه حل و فصل شده است.

۵- نتیجه

در دوره قاجار و پهلوی افراد و گروه‌های متعددی در امر ساماندهی به متکدیان فعالیت می‌کردند. رویکرد فعالان این عرصه را می‌توان تأثیر گرفته از انگاره‌های برخاسته از آموزه‌های دینی، نوع‌دوستی، رفع آسیب‌های اجتماعی اندیشه‌ها و مطالبات رفاه اجتماعی و همچنین آرمان‌های حمایت از طبقات فرو دست دانست. نگرشی بر نحوه عملکرد این خیریه‌ها در دوره قاجار به‌ویژه عصر پهلوی نشان‌دهنده بروز تغییر و تحولاتی در سبک مدیریتی آنهاست. با توجه به پیچیدگی پدیده تکدیگری و کنش‌های متکدیان، آخرین فعال در امور متکدیان به تدریج در مواجهه با چالش‌های متعدد به ناکارآمدی بخشش‌های تن‌پرورانه پی بردند و تلاش برای جایگزینی الگوهای مدیریتی مبتنی بر حمایت‌های هوشمندانه و اتخاذ استراتژی عقلانی برای رفع آسیب‌های اجتماعی و کیفی‌سازی حمایت‌های خویش را آغاز کردند. این الگوهای مدیریتی که در اساسنامه‌های برخی از بنیادهای خیریه دوره قاجار و پهلوی نمود پیدا کردند، می‌توانند به‌عنوان یک الگو مدنظر خیریه‌های فعال در امور متکدیان قرار گیرند. نکته بدیع در این نوشتار معرفی الگوهای مدیریتی جدید خیریه‌ها با اتکا به نظریه دیز است.

منابع فارسی

- آدمیت، ف. (۱۳۵۶). *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)*، تهران: خوارزمی.
- آرام، ه. و قنبری باغستان، ع. (۱۳۹۴). «توصیف وضعیت تکدیگری در شهر تهران و پیشنهاد دو سناریو»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۴ (۱): ۱.

- آرین پور، م. ر. (۱۳۹۱). بررسی جرائم تکدی، ولگردی و کلاشی در ایران، بیرجند: رزقی.
- آفاری، ژ. (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطیت ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱ (۱۲۸۵-۱۲۹۰)*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- احتشام السلطنه. (۱۳۹۲). *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی. تهران: انتشارات زوار.
- اعتماد السلطنه، م. ح. خ. (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- بابایی، ن. (۱۳۶۹). *نگرشی بر پدیده بی سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده*، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
- براون، ا. (۱۳۷۶). *یکسال در میان ایرانیان*، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران: اختران.
- بشیرزاده، د. (۱۳۹۴). «پایش آسیب‌ها: تکدیگری»، *پایش سبک زندگی*، ۲ (۱۰).
- بل، گ. (۱۳۶۳). *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی.
- پولاک، ج. ای. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- جعفری، م. م. و گودرزی، م. (۱۳۹۸). «بررسی پیامدهای حاشیه‌نشینی با تأکید بر بزه تکدیگری»، *فصلنامه دانش/انتظامی بوشهر*، ۱۹ (۳۹)، ۹۱-۸۰.
- حبیب پور گتایی، ک. (۱۳۹۶). «رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۶ (۲)، ۵۴-۲۸.
- حجت بلاغی، ع. (۱۳۵۰). *تاریخ تهران*، قسمت مرکزی و تهران و مضافات شمالی، ج ۱، قم: بینا.
- درکنانیان، غ. (۱۳۸۵). «جمعیت خیریه نوبر»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۶۴، ۱۱۴-۱۳۶.
- دولت آبادی، ی. (۱۳۶۱). *حیات یحیی*، تهران: انتشارات فردوس.
- رضایی، ج. (۱۳۸۱). *بیرجند نامه*، به اهتمام دکتر محمود رفیعی، تهران: هیرمند.
- روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۶، سال دوم، شماره ۳۸۱.
- سالور، ق. م. (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- سعدآبادی، ع. ا. آرامی پور، ن. و محمودی، س. م. (۱۳۹۹). «به‌کارگیری نوآوری اجتماعی جهت بهبود عملکرد مؤسسات خیریه (مورد مطالعه: خیریه سلام بر آرزوها)»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۷ (۲)، ۱۹۱-۲۲۲.
- شهری، ج. (۱۳۷۱). *طهران قدیم*، تهران: انتشارات معین.
- عابدی، م. (۱۳۸۶). «مولوی پژوهی: دولت فقر (مفهوم فقر در زبان اهل معرفت)»، *آینه میراث*، ۵ (۳).
- علیزاده بیرجندی، ز و ملک‌زاده، ا. (۱۴۰۰). *تکدیگری در دوره قاجار و پهلوی*، تهران: فکر بکر.
- کلانتری، م. (۱۳۷۲). *مطالعه‌ای در باب تکدی و مسائل آن*، زیر نظر دکتر علی سیلانیان طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- محبوبی اردکانی، ح. (۱۳۶۸). *چهل سال تاریخ ایران*، ج ۱ (المآثر و الآثار) به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ملک‌زاده، ا. (۱۳۸۵). *نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
- ملک‌زاده، ا. (۱۳۸۴). «اقدامات خیریه و موقوفات زهرا سلطان نظام مافی "فرمانفرمائی"»، *نشریه وقف میراث جاویدان*، ۴۹، ۹۴-۱۰۳.
- ملک‌زاده، ا. (۱۳۹۷). *مؤسسات خیریه رفاهی - بهداشتی ایران در دوران پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ شمسی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ممقانی، ا. (۱۳۶۲). *مسلك الامام فی سلامه الاسلام*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- منصف، م. ع. (۱۳۵۵). *امیر شوکت‌الملک علم (امیر قاین)*، تهران: امیرکبیر.
- نیازی، آ. (۱۳۹۷). «فراتحلیل مطالعاتی درباره تکدیگری»، *کنفرانس ملی توسعه اجتماعی*، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- واحدی، غ. (۱۳۴۲). «خیریه نویر تبریز»، *نشریه پیک اسلام*، ۳، ص ۱۱۴-۷۳.

اسناد

- سند شماره ۱۷۰۰-۱۰۹۰۰۸ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۸۸۲-۱۲۳۰۰۴ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۸۰۰-۱۲۳۰۰۴ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۳۵۰-۵۲۶۵/۵ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۳۵۰-۵۲۶۵/۶ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

References

- Abedi, M. (2007). Mowlavīpažūhī: The state of poverty (the concept of poverty in the language of the people of knowledge). *Āyneh-ye Mīrāt*, 5(3). [In Persian]
- Adamiyat, F. (1977). *The idea of progress and the rule of law (Aṣr-e Sepahsālār)*. Tehran: Khwarazmi. [In Persian]
- Aram, H., and Qanbarī-ye Bāğestān, A. (2015). Towṣīf-e Vaz‘īyat-e Takaddīgarī dar Šahr-e Tehrān va Pīšnahād-e Do Senārīyo. *Sociology of Social Issues in Iran*, 4(1). [In Persian]
- Āryanpūr, M. R. (2012). *Barresī-ye Ĵarāyem-e Takaddī, Velgardi va Kallāšī dar Īrān*. Birjand: Rezaqī. [In Persian]
- Afari, J. (2006). *Iran's Constitutional Revolution 1906-1911 (1290-1285 Š)*. translator: Reza Rezaei, Tehran: Bistun. [In Persian]
- ‘Alīzādeh-ye Birjandi, Z. and Malekzadeh, A. (2021). *Takaddīgarī dar Dowreh-ye Qājār va Pahlavī*. Tehran: Fekr-e Bekr. [In Persian]
- Bābā’ī, N. (1990). *An attitude towards the phenomenon of homelessness and the problems of children away from the family*. Tehran: Publications of the country's welfare organization. [In Persian]
- Bashirzadeh, D. (2015). Damage monitoring: monogamy. *lifestyle monitoring*, 2(10). [In Persian]
- Bell, G. (1984). *Taṣvīrhāyī az Īrān*. translated by Bozormehr Riahi, Tehran: Kharazmi. [In Persian]
- Brown, A. (1997). *A year among Iranians*. Translator: Zabihullah Mansouri, Tehran: Akhtran. (In Persian)
- Darkatānīyān, G. (2006). Nobar Charitable Community. *The Quarterly of Treasure of Documents*, 64, 114-136. [In Persian]
- Dowlatabādī, Y. (1982). *Ḥayāt-e Yaḥyā*. Tehran: Ferdous Publications. [In Persian]
- Eḥtešām Al-Saltāneh (2013). *Kāṭerāt-e Eḥtešām Al-Saltāneh*. by Seyyed Mohammad Mahdi Mousavi. Tehran: Zovar Publications. [In Persian]
- E‘temād Al-Saltāneh, M. H. Kh. (1988). *Tārīk-e Montāzam-e Nāṣerī*. vol.3. Edited by Mohammad Esmail Rizvani, Tehran: Duniya Kitāb. [In Persian]
- Ḥabībūr-e Gatābī, K. (2017). Rūykard-e Šahrvandān-e Tehrānī Nesbat beh Motakaddīyān. *Social Issues of Iran*, 6(2), 54-28. [In Persian]
- Ḥojjat-e Balāgī, A. (1971). *History of Tehran, central part and Tehran and northern suburbs*. vol.1, Qom: Bina. [In Persian]
- Ĵa‘farī, M. M., and Gudarzi, M. (2018). Investigation of the consequences of marginalization with an emphasis on monogamy. *Bushehr Police Science Quarterly*, 19(39), 91-80. [In Persian]
- Kalantari, M. (1994). *Moṭāle‘eh-ī dar Bāb-e Takaddī va Masā‘el-e Ān*. under the supervision of Dr. Ali Silanian Toosi, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]



- Malekzadeh, A. (2006). *Negāhī beh Omūr-e Keyrīyeh dar Dowreh-ye Qājār*. Tehran: Islamic Azad University, Shahr Ray branch. [In Persian]
- Malekzadeh, A. (2005). Eqdāmāt-e Keyrīyeh va Mowqūfāt-e Zahrā Soltān Neẓām-e Māfi (Farmānfarmā'iyān). *Vaqf-e Mirāt-e Jāvīdān*, 49, 103-94. [In Persian]
- Malekzadeh, A. (2018). *Mo'assesāt-e Keyrīyeh-ye Refāhī-Behdāštī-ye Īrān dar Dowrān-e Pahlavī-ye Dovvom (1320-1357 Š.)*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Maḥbūbī-ye Ardakānī, H. (1989). *Forty years of Iran's history*. Vol. 1 (*Al-Ma'āter va Al-Ātār*) by Iraj Afshar, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Mamaqānī, A. (1983). *Maslak Al-Emām fi Salāmah Al-'Eslām*, Tehrān: Našr-e Tārīk-e Īrān. [In Persian]
- Monşef, M. A. (1976). *Amīr Šowkat Al-Molk-e 'Alam (Amīr-e Qā'en)*, Tehrān: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Nīyāzī, A. (2018). Farātahlīl-e Moṭāle'ātī darbāreh-ye Takaddīgarī. *National Social Development Conference*, Shahid Chamran University of Ahvaz. [In Persian]
- Polak, J. E. (1989). *Polak's travelogue: Iran and Iranians*. Translator: Kikavos Jahandari, Tehran: Khwarazmi. [In Persian]
- Reẓāyī, J. (2002). *Bīrjāndnāmeḥ*. by Dr. Mahmoud Rafiei, Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Rūznāmeḥ-ye Eṭṭelā'āt, (1306/09/21 Š.), 2(381). (In Persian)
- Sālūr, Q.M. (1998). *Rūznāmeḥ-ye Kāṭerāt-e 'Eyn Al-Saltāneh*. edited by Saifullah Golkar, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sa'dābādī, A. A., Aramipour, N. and Mahmoudi, Seyyed M. (2019). Using social innovation to improve the performance of charitable institutions (case study: Salam Bar Arzooha Charity). *Social Sciences Quarterly, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, 17(2), 191-222. [In Persian]
- Shahri, J. (1992). *Tehrān-e Qadīm*. Tehran: Moein. [In Persian]
- Vāḥedī, G. R. (1963). Keyrīyeh-ye Nowbar-e Tabrīz. *Peyk-e Eslām*, 3, 73-114. [In Persian]

Documents [In Persian]

- Document No. 109008-1700 of the National Library and Records Organization of Iran.
- Document No. 123004-882, Organization of Records and National Library of Iran.
- Document No. 123004-800, Organization of Records and National Library of Iran.
- Document No. 350-5265-5, Organization of Records and National Library of Iran.
- Document No. 6/5265-350, Organization of Records and National Library of Iran.

